



سیاست خارجی ایران در بحرین

دکتر مهدی میرزاده کوهشاهی*

اشاره:

در ماه‌های اخیر فشارها بر اپوزیسیون بحرین بیش از پیش افزایش یافته و در این راستا از شیخ عیسی قاسم روحانی بلندپایه بحرینی سلب تابعیت شد. این اقدام حکومت بحرین که با واکنش‌های تندی در عرصه بین‌المللی از جمله در ایران همراه بود، تغییری در راهبرد آل خلیفه ایجاد نکرد و اعلام شد وی به زودی محاکمه خواهد شد. همچنین، انتقاداتی از مواضع ایران در قبال این مسئله صورت گرفت. این نوشتار ضمن مروری بر تحولات بحرین، به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تحولات بحرین می‌پردازد.

مقدمه

بین‌المللی است. در این کشور، به دلیل ایستادگی خاندان سلطنتی حاکم بر آن، تلاش‌های مسالمت‌آمیز انقلابیون عمدتاً شیعه راه به جایی نبرد و آل خلیفه در سایه حمایت کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی، بدون هیچ‌گونه تغییری در راهبردها، رفتارها و رویه‌های سابق، به حیات خود ادامه می‌دهد. انقلابیون بحرین نیز با واقف‌بودن به شرایط و محدودیت‌های محیطی و پیامدهای احتمالی اقدامات خشونت‌آمیز، در راهبردی هوشمندانه تا کنون از هر گونه اقدامی که زمینه را برای سرکوب بیشتر آنان فراهم کند، خودداری کرده‌اند. با این حال، عوامل مختلفی از جمله تلاش هیئت حاکمه بحرین، وابستگی خاندان پادشاهی به عربستان و از همه مهم‌تر، مشی مسالمت‌آمیز معترضان که بالارفتن هزینه‌های سرکوب آنان برای آل خلیفه را در پی داشته، سبب شده است حکومت بحرین برای رادیکال کردن جنبش اعتراضی موجود در این کشور تلاش وافر کند. به بیان دیگر، تا کنون محافل حقوق بشری و بسیاری از دولتمردان غربی، به دلیل مسالمت‌آمیز بودن اعتراضات و اجتناب از خشونت و اقدامات مسلحانه، فشار حکومت بحرین بر معترضان را مورد انتقاد قرار داده و خواستار نرمش در برابر آنها شده‌اند. از همین رو، آل خلیفه در صدد است با اتخاذ راهبرد سخت‌گیرانه، هزینه‌های معترضان را بالا برده و

مبارزات سیاسی و آزادی‌خواهانه شهروندان بحرینی با هدف دستیابی به حقوق سیاسی و محدود کردن قدرت آل خلیفه، اگرچه قدمتی بیش از تاریخ کشور بحرین دارد، اما تحولات فعلی این کشور که مرحله جدیدی از مبارزات سیاسی در این کشور نوپدید در منطقه است، از فوریه ۲۰۱۱ و هم‌زمان با وقوع بهار عربی در سایر کشورهای منطقه آغاز شد. پویش‌های ناشی از بهار عربی یا مانند آنچه در کشورهایمانند یمن و سوریه رخ داد، سرنوشت تراژیک‌ی یافتند یا مانند تونس و مصر تغییر چشم‌گیری در ساختار سیاسی کشور ایجاد نکرده و در دوره‌ای بسیار کوتاه، وضعیت تقریباً به حالت سابق بازگشت. در این میان، بحرین استثناست؛ کشوری با وسعت و جمعیت نه چندان زیاد که به دلیل موقعیت راهبردی، مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و



آنها را به ترک اعتراض یا روی آوردن به اعتراضات خشونت بار سوق دهد تا از این طریق امکان سرکوب و از بین بردن آنها میسر شود. در راستای چنین راهبردی، دولت بحرین در ماه‌های اخیر حصر و حذف شخصیت‌های کلیدی معترض را در دستور کار قرار داده است؛ امری که در عرصه‌های داخلی و خارجی تبعات و واکنش‌های مختلفی را در پی داشته است.

فشار بر اپوزیسیون؛ دلایل و پیامدها

در ماه‌های اخیر حکومت بحرین، سلسله اقداماتی را در دستور کار قرار داده که نشان‌دهنده عزم جدی حاکمان این کشور برای از بین بردن اعتراضات سیاسی است. پس از بازداشت شیخ علی سلمان فعال مدنی و روحانی شیعی میانه‌روی این کشور که زعامت و دبیر کلی جنبش الوفاق، بزرگ‌ترین تشکل سیاسی معترضان شیعه بحرین را بر عهده داشت، نخستین نشانه‌های تغییر سیاست‌ها و تشدید اقدامات سرکوب‌گرانه آل‌خلیفه هویدا شد. با این حال، بسیاری از ناظران سیاسی با توجه به سابقه چندین باره بازداشت سلمان امیدوار بودند وی پس از مدت کوتاهی آزاد شود. بر خلاف خوش‌بینی‌ها با تعویق جلسه محاکمه، بازداشت وی چندین بار تمدید و وی ابتدا به ۴ و سپس با رأی دادگاه استیناف، به ۹ سال حبس محکوم شد. فشارها بر معترضان همچنان استمرار یافت و در ۲۷ تیرماه دادگاه اداری بحرین حکم نهایی انحلال جمعیت «الوفاق» و مصادره اموال آن را صادر کرد.

در این میان جنجالی‌ترین اقدام آل‌خلیفه سلب تابعیت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین بود. وی که از مخالفان قدیمی آل‌خلیفه است، همواره ضمن دعوت مردم به ایستادگی در مقابل حکومت، مانع بروز تحرکات سیاسی خشونت‌آمیز در این کشور می‌شد، اما انتقادات وی از آل‌خلیفه و دعوت مردم به پافشاری بر خواسته‌هایشان سبب شد دولت بحرین با طرح اتهاماتی مانند خروج از وظایف شهروندی و همزیستی مسالمت‌آمیز، تعمیق مفاهیم طائفه‌گری، مخالفت با قانون اساسی و نهادهای دولتی، ایجاد تفرقه در جامعه، عمل به دستورات اجانب در راستای تقسیم جامعه و تلاش برای ایجاد حکومت روحانیون، تابعیت وی را سلب کند. نکته مهم در این زمینه، قوانین مبهم و غیرشفافی است که بستر قانونی لازم برای سرکوب مخالفان را فراهم می‌کند. بر اساس ماده ۱۰ قانون شهروندی بحرین مورخ ۱۹۶۳ سلب تابعیت در بحرین در سه حالت

امکان‌پذیر است: نخست در حالتی که فرد مزبور به خدمت سربازی کشور خارجی دیگری درآید؛ دوم در حالتی که فرد به یک کشور خارجی خدمت کند و در نهایت، در زمانی که فرد موجب ورود زیان به امنیت کشور شود. همان‌طور که مشخص است حالت دوم و سوم بسیار گسترده و غیرشفاف است و بر مبنای آن می‌توان اتهامات مختلفی را متوجه شهروندان کرد.

سلب تابعیت شیخ قاسم از سوی شخصیت‌ها و برخی کشورهای منطقه، نهادهای حقوق بشری، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و برخی متحدان بحرین مانند ایالات متحده آمریکا مورد انتقاد قرار گرفت. اگرچه اعتراضات به سلب تابعیت وی فراگیر و در بسیاری از موارد از لحن تنیدی برخوردار بود، اما این امر سبب عقب‌نشینی آل‌خلیفه از این اقدام نشد و در ادامه اعلام شد که وی در ماه آینده میلادی محاکمه خواهد شد. شیخ عیسی قاسم سرشناس‌ترین و یکی از افراد بی‌شماری (تقریباً ۲۰۰ نفر) است که در سال گذشته تابعیت بحرینی آنها سلب شده است. این در حالی است که بازداشت فعالان سیاسی و ممنوعیت فعالیت احزاب نیز ادامه دارد و در این راستا تعدادی از رهبران «جمعیت التوعیه»، «نبیل رجب» رئیس کمیته حقوق بشر بحرین و «شیخ محمد صنفور» از علمای بلندپایه دینی بازداشت و احضار شدند.

استمرار اعتراضات در بحرین که تصویری آشوب‌زده از این کشور را در عرصه بین‌المللی به وجود آورده و مسالمت‌آمیزبودن اعتراضات، امکان برخورد‌های خشن را از آل‌خلیفه سلب



بررسی مواضع ایران

جمهوری اسلامی ایران همواره نسبت به تحولات بحرین موضع منتقدانه‌ای داشته و بر این مبنا، حکومت بحرین را به تعامل با مخالفان و کرنش در برابر خواسته‌های قانونی و به حق آنها دعوت کرده است. با این حال، این سیاست در مقاطع مختلف زمانی و با توجه به رخداد‌های مختلف بحرین نمودهای متفاوتی به خود گرفته است. چارچوب کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درباره بحرین مبتنی بر منافع ملی و برخی اصول بنیادین انقلاب اسلامی مانند حمایت از مظلومان و جنبش‌های اسلام‌گرا و آزادی‌خواه و در عین حال جانبداری از شیعیان است. با توجه به ترکیب جمعیت، جغرافیای انسانی بحرین و ماتریس قدرت در این کشور از یک سو و برخی دعوای و سوابق تاریخی مانند حاکمیت ایران بر بحرین و دعوای شیعه- سنی و عرب-عجم، سیاست حسن هم‌جواری و احترام متقابل، کمتر بر روابط دو کشور حاکم بوده و انتقاد و اتهامات متقابل وضعیت کلی حاکم بر روابط دو کشور بوده است. با این حال، در برخی دوره‌ها با توجه به اصلاحات سیاسی و در پیش گرفتن رویکردهای مسالمت‌جویانه با شیعیان مانند سال ۲۰۰۰ روابط، اندکی بهبود یافته است. این در حالی است که در این دوره سیاست خارجی ایران نسبت به همسایگان از جمله بحرین نیز متفاوت بود. پس از بهار عربی دو عامل در تشدید تنش در روابط دو جانبه نقش داشت. در وهله نخست؛ حمایت معنوی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران از انقلابیون بحرینی، ناخرسندی حاکمان بحرین را به دنبال آورد و در مقابل تشدید فشارها علیه اکثریت شیعه این کشور با واکنش‌های بعضاً تند در ایران همراه می‌شد. در این میان، مسئله مهم و پرسش کلیدی آن است که اساساً سیاست خارجی و رویکرد ایران نسبت به تحولات بحرین چگونه است و آیا سیاست مذکور می‌تواند منافع ملی را تأمین کرده و به بهبود جایگاه شیعیان در این کشور کمک کند؟

در ایران سه مرجع عمده یعنی مقام معظم رهبری؛ دولت و وزارت امور خارجه و نیروهای امنیتی درباره تحولات بحرین موضع‌گیری می‌کنند. تنوع مراجع تصمیم‌گیر درباره بحرین در عمل به چندگانگی در اتخاذ مواضع انجامیده به گونه‌ای که می‌توان گفت نه تنها در خارج، بلکه در درون کشور نیز مرجع و موضع رسمی درباره تحولات این کشور مشخص نیست. در

کرده و این رژیم را هم‌زمان از سوی متحدان منطقه‌ای خود به ویژه عربستان و محافل بین‌المللی در معرض انتقاد قرار داده است. علاوه بر این، برخی تحولات منطقه‌ای از جمله موفقیت‌های ارتش و نیروهای مردمی عراق، پیشرفت گفتگوهای صلح یمن و به فراموشی سپردن اعدام شیخ نمر النمر و به دنبال آن فروکش کردن اعتراضات در عربستان سعودی، نقش مؤثری در تشدید فشارها بر مخالفان حکومت بحرین دارد. سعودی‌ها که در عراق، ایران را پیروز تحولات می‌دانند، در یمن به گفتگوی دو جانبه با حوثی‌ها روی آورده و چون امکان فروکش کردن بحران یمن بیش از پیش قوت گرفته است، در صددند دیگر بحران در خارج نزدیک به خود یعنی بحرین را نیز مدیریت کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد سیاست اعمال فشار بر شخصیت‌های کلیدی مخالف در بحرین، در واقع همان سیاستی است که پیش از این عربستان سعودی در قبال شیعیان خود در پیش گرفت، سیاستی که مبتنی بر راهبرد قطع سرافعی برای از بین بردن آن است. برای در پیش گرفتن چنین سیاستی، جانب‌داری از اجانب، وابستگی به بیگانگان، توطئه برای ترویج تفرقه و تروریسم بهانه‌ها و اتهاماتی است که دو کشور عربستان و بحرین در پیش گرفته‌اند. نتایج سیاست مشت آهنین عربستان در ارتباط با این موضوع در کوتاه‌مدت برای حکام سعودی رضایت‌بخش بوده، اما آزمون آن در بحرین دشواری‌هایی در پی دارد که این امر حکام بحرین را بر آن داشته تا به راهبردهای نرم‌تری مانند حصر و حذف از جامعه به جای حذف فیزیکی روی آورند.

حالی که دولت ضمن انتقاد به رویه کلی حکومت بحرین درباره مسائل شیعیان این کشور، با ادبیاتی دیپلماتیک سعی در حفظ و بهبود روابط دو کشور و ترغیب آل خلیفه برای انجام اصلاحات در این کشور دارد، برخی نهادهای تبلیغی و امنیتی مواضع تند و در برخی موارد غیردیپلماتیکی را در پیش گرفته‌اند. این امر سبب شده دولت بحرین همواره ایران را به مداخله در امور داخلی خود متهم کند. در همین زمینه پس از سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم، برخی شخصیت‌ها و نهادهای امنیتی این اقدام حکومت بحرین را محکوم کرده و تاوان آن را «مقاومت مسلحانه و نابودی حکومت بحرین» دانستند. اگرچه بسیاری از کشورها و نهادهای بین‌المللی از اقدام آل خلیفه ابراز نگرانی کرده بودند، اما همزمان این موضع ایران را نیز مورد انتقاد قرار دادند. در جهان اسلام نیز این مواضع درباره بازداشت شیخ علی سلمان مورد انتقاد قرار گرفته بود که به محکومیت ایران از سوی اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی انجامید، به گونه‌ای که سبب قطع روابط کشورهای عربی و انزوای ایران در جهان عرب شد. همین امر سبب شد مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در روز عید فطر در صدد تلطیف فضای حاکم بر روابط دو کشور برآیند. ایشان فرمودند: «ما در مسئله بحرین هیچ دخالتی نکردیم و نخواهیم کرد اما نصیحتشان داریم می‌کنیم، آنجا هم یک منازعه سیاسی است؛ دارند کاری می‌کنند که این منازعه سیاسی را بکشاند به یک جنگ داخلی؛ اگر آگاهی دارند، اگر معرفت دارند، اگر خرد سیاسی بر آنها حاکم است، خب نکنند این کارها را. مخالفت سیاسی و منازعه سیاسی در هر کشوری ممکن است وجود داشته باشد؛ چرا باید کاری کنند که ملت‌ها را وادار کنند به پنجه زدن و مردم را در مقابل هم قرار بدهند؟». مقام معظم رهبری در بهمن ۱۳۹۱ نیز درباره ادعای دخالت ایران در بحرین بیان داشتند: «این حرف درستی نیست؛ حرف خلاف واقعی است. ما اگر در بحرین دخالت می‌کردیم، اوضاع در بحرین جور دیگری می‌شد».

به نظر می‌رسد حمایت‌های لفظی ایران از انقلابیون و معترضان بحرینی سبب شده مسئله بحرین تنها مسئله‌ای داخلی بین اپوزیسیون و خاندان حاکم بر این کشور نباشد، بلکه حساسیت کشورهای منطقه نیز برانگیخته شود. کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی و متحدانش در شورای همکاری خلیج فارس،

حمایت‌های ایران از معترضان بحرینی را تلاش کشورمان برای تغییر شرایط منطقه با هدف تسلط بر آن تفسیر می‌کنند. از همین رو برای جلوگیری از نفوذ و تسلط ایران بر منطقه با هر اقدامی که شرایط را به نفع ایران تغییر دهد، مخالفت می‌ورزند، به گونه‌ای که اگر شرایط بحرین متأثر از مسائل منطقه‌ای نبود، تلاش مخالفان برای اصلاحات سیاسی در این کشور نتایج بهتری داشت. نکته دیگر آنکه حمایت ایران از معترضان بحرینی و تأکید ایران بر شیعه‌بودن معترضان، این فرصت را برای آل خلیفه فراهم کرده تا معترضان را به دامن زدن به مسائل فرقه‌ای متهم کند. از سوی دیگر، اگرچه محوریت اعتراضات بحرین با روحانیون شیعه است، اما حمایت بیشتر ایران از روحانیون به ویژه تأکید رسانه‌ها بر نقش روحانیون شیعه سبب شده در درون بحرین از جمله در خاندان حاکم ترس از تلاش معترضان برای شکل‌دهی حکومتی دینی مبتنی بر فقه شیعه در این کشور روز به روز بیشتر شود. از این رو، حمایت‌های ایران از شیعیان و روحانیون در اوایل انقلاب بحرین، سبب کنار کشیدن مبارزان و مخالفان سنی از ادامه مخالفت با آل خلیفه شد. این در حالی است که شیعیان حتی روحانیون بلندپایه‌ای مانند شیخ علی سلمان نیز بیش از آنکه به عنوان یک روحانی و فعال مذهبی شناخته شوند در درون بحرین به عنوان فعالان حقوق مدنی و شهروندی شناخته می‌شوند. البته در این میان شیخ عیسی قاسم وضعیت متفاوتی دارد و بلندپایه‌ترین مقام مذهبی شیعیان در بحرین است. در سطح بین‌المللی نیز حمایت ایران از فعالان شیعی سبب بدبینی

در پی داشته و حتی به مثابه یکی از موانع کرنش آل خلیفه در برابر خواسته‌های معترضان است.

تلاش ایران برای موفقیت اپوزیسیون و بهبود جایگاه شیعیان در بحرین، «احساس محاصره» عربستان از سوی ایران را در میان نخبگان و دولتمردان سعودی بیشتر می‌کند و این امر به تشدید تقابل فراگیر عربستان با ایران کمک می‌نماید.

اگرچه تردیدی وجود ندارد که به قدرت رسیدن شیعیان در بحرین منافع مادی و معنوی ایران را تأمین می‌کند اما اگر نگاهی عینی و واقع‌گرایانه به مسائل صورت گیرد، روابط با همسایگان بر اساس حسن هم‌جواری و احترام متقابل می‌تواند متضمن تأمین منافع ملی باشد. همان‌طور که بیان شد جانبداری ایران از شیعیان بحرین سبب حساسیت و واکنش منفی سایر کشورهای منطقه شده است. این کشورها ایران را متهم به دخالت در امور بحرین کرده و از مجرای نهادهای بین‌المللی، ایران را تحت فشار قرار می‌دهند. تشدید تنش‌ها میان ایران و همسایگان عرب و قطع روابط بسیاری از کشورهای عربی با ایران، محکومیت اقدامات ایران در سازمان همکاری اسلامی و تلاش برای اعمال فشار بر متحدان منطقه‌ای ایران مواردی هستند که مجموعاً به تنزل جایگاه ایران در منطقه انجامیده است. این در حالی است که این تلاش و در نتیجه آن تنزل جایگاه ایران، تغییر مثبتی در جایگاه شیعیان بحرین نداشته و با توجه به رویکرد کشورهای رقیب از جمله عربستان سعودی و قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده و روسیه امید آن نمی‌رود که اقدامات و فشارهای ایران تغییر چشمگیر و ملموسی در وضعیت و جایگاه شیعیان در بحرین در پی داشته باشد. از سوی دیگر انتظار نمی‌رود ایران بتواند از شیعیان بحرین به مثابه اهرم فشاری برای افزایش قدرت خود در منطقه استفاده کند. ضمن آنکه تلاش ایران برای موفقیت اپوزیسیون و بهبود جایگاه شیعیان در

قدرت‌های بزرگ به نیت ایران و تحولات بحرین شده است. از همین رو، قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده آمریکا به دلیل منافی‌ای که در بحرین دارند، تمایلی به روی کار آمدن گروه‌های نزدیک یا متحدان ایران ندارند.^۱ ضمن اینکه تغییر در بحرین سبب بر هم خوردن ماتریس قدرت در منطقه به نفع ایران می‌شود و این امر خوشایند ایالات متحده و غرب نیست. آمریکا ترویج لیبرالیسم در بحرین را مقدم بر توسعه دموکراسی می‌داند. از همین رو، مخالف سلب آزادی‌های عمومی شهروندان بحرینی به بهانه مخالفت با آل خلیفه است، ضمن آنکه بسیاری از گروه‌های اپوزیسیون بحرین با مقامات آمریکایی دیدار کرده و از حمایت آنها نیز برخوردارند. پس از سلب تابعیت شیخ قاسم، هفت سناتور آمریکا در نامه‌ای به جان کری، وزیر خارجه این کشور خواستار اعمال فشار بر بحرین برای پیشبرد اصلاحات سیاسی و اجتماعی و بهبود وضعیت حقوق بشر در این کشور شدند. همان‌طور که بیان شد، به دلیل ترس از روی کار آمدن متحدان ایران، کشورهای غربی و عربی تمایلی برای جانبداری از اپوزیسیون بحرین برای به قدرت رسیدن آنها ندارند و تلاش نهادها و دولتمردان غربی صرفاً معطوف به توسعه آزادی‌های عمومی و حقوق شهروندی در این کشور است. از این منظر می‌توان گفت حمایت‌های ایران فارغ از ابعاد رسانه‌ای آن که نقش مهمی در آگاهی‌بخشی به جامعه جهانی درباره بحرین دارد، نتایج متفاوت

۱. بحرین هم‌اکنون میزبان ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده است. همچنین پایگاه نظامی «اج ام اس» انگلیس در این کشور نیز در حال ساخت است و تا پایان سال جاری میلادی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

بحرین، «احساس محاصره» عربستان از سوی ایران را در میان نخبگان و دولتمردان سعودی بیشتر می‌کند و این امر به تشدید تقابل فراگیر عربستان با ایران کمک می‌نماید.

نتیجه‌گیری

اگرچه همان‌طور که صلاح البندر، مشاور امنیتی سابق شاه بحرین و نویسنده گزارش معروف «بندر»^۱ بیان می‌کند، تردیدی وجود ندارد که حکومت بحرین قصد دارد به طرق مختلف از دست اکثریت شیعه در کشورش خلاص شود و از همین رو در پی تشدید فشارها بر آنها و تغییر بافت جمعیتی این کشور از طریق اعطای تابعیت به خارجی‌هاست، اما نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با این اقدامات ضدشیعی حاکمان بحرین و از آن مهم‌تر، تلاش‌های ایران برای ایجاد تغییراتی در بحرین که به بهبود وضعیت و جایگاه شیعیان در این کشور منجر شود، مسئله‌ای در خور توجه است. اگرچه برخی واقعیت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی، سیاسی و جغرافیایی بحرین مانند جمعیت قابل توجه شیعه، خاندان حاکم سنی، حکومت پادشاهی و همسایگی با ایران می‌توانند به مثابه کاتالیزور و عامل تسهیل‌کننده در رقم خوردن تغییرات سیاسی در این کشور عمل کنند، اما پیوند سیاسی و سرزمینی بحرین با عربستان سعودی، مناسبات حسنه حاکمان بحرین با قدرت‌های بین‌المللی و موقعیت راهبردی بحرین، مانع از تغییرات بنیادین در این کشور می‌شود. در این میان، تلاش‌های ایران و اتخاذ مواضع متعدد و متفاوت از سوی مراجع مختلف تا مادامی که در چارچوب آداب دیپلماتیک و بر مبنای هنجارهای شناخته‌شده بین‌المللی نباشد، نمی‌تواند به بهبود اوضاع در بحرین بیانجامد. در این میان اظهار نظر نهادها و مقامات نظامی و امنیتی درباره تحولات بحرین و جانبداری از شیعیان و شخصیت‌های بحرینی تنها منجر به امنیتی شدن مسئله شیعیان در بحرین خواهد شد و این امر فضا را برای وارد آمدن اتهامات تروریستی و اتهام وابستگی آنها به خارج، مهیا می‌کند. این در حالی است که در عمل نیز ایران به دلیل موقعیت و شرایط محیطی بحرین و همچنین کنترل شدید مرزهای این کشور، ابزار و اهرمی برای تحت فشار قراردادن آل‌خلیفه ندارد. در این میان، تجربه جانبداری ایران از شیعیان منطقه شرقی عربستان و فعال سیاسی سرشناس آنان

شیخ نمرالنمر می‌تواند راه‌گشا باشد. شیخ نمر که مواضع تند و سرسختانه‌ای علیه آل‌سعود داشت، به‌رغم انتقادات جدی نسبت به اقدامات جمهوری اسلامی ایران، مورد حمایت رسانه‌های ایران بود و همین امر بستر لازم برای طرح اتهام علیه وی مبنی بر وابستگی به خارج و اقدام علیه امنیت ملی را فراهم کرد، امری که در نهایت به اعدام وی منجر شد و تهدیدات و ریزنی‌های گسترده ایران نیز نتیجه‌ای در پی نداشت.

با توجه به محدودیت‌های یادشده به نظر می‌رسد بهبود روابط ایران با حکومت بحرین و ترغیب آل‌خلیفه برای پیشبرد اصلاحات سیاسی از یک سو و جلب نظر و حمایت قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا در عین تداوم اعتراضات مردمی در بحرین، سازوکارهای مناسب‌تری برای تحقق حقوق شیعیان در این کشور است. بدیهی است عربستان سعودی که مخالف هر گونه تغییر در بحرین است، همواره تلاش دارد مسئله شیعه در شبه‌جزیره عربستان را با طرح اتهامات فرقه‌ای و تروریستی به مسئله‌ای امنیتی تبدیل کند و در نتیجه ورود نیروهای امنیتی و نظامی به تحولات بحرین عملاً به مثابه آبرویختن به آسیاب دشمن است و در نهایت فضا را به نفع حکام بحرین امنیتی خواهد کرد. این در حالی است که اظهارنظرهای غیر دیپلماتیک روابط ایران و کشورهای منطقه را نیز دستخوش تنش کرده و انتقاد نهادهای بین‌المللی را نیز در پی خواهد داشت. از این رو، به نظر می‌رسد بهترین راهبرد همان‌گونه که مقام معظم رهبری در سخنرانی عید فطر اشاره فرمودند نصیحت حکام بحرین باشد. بدیهی است این نصیحت در فضای دوستانه‌تر نتایج مثبت‌تری در پی خواهد داشت.

۱. در سال ۲۰۰۶، صلاح البندر سودانی تبار که مشاور احمد عطیه آل‌خلیفه وزیر امور کابینه بحرین بود، گزارشی از اقدامات دستگاه امنیتی بحرین علیه شیعیان و مخالفان منتشر کرد که به گزارش بندر گیت معروف شد. بر اساس این گزارش بسیاری از مقامات بلندپایه حکومت بحرین با رهبری و حمایت مالی وزیر امور کابینه در طراحی و اجرای عملیاتی دست داشتند که هدف اصلی آن به حاشیه‌راندن اکثریت شیعه در کشور بود.